

مجمع عمومی شورای ملی فلسطین در الجزایر

وجود آمد که بالاخره این تغییر و تحولات در مورد رابطه اعراب و اسرائیل به پیمان کمپ دیوید منجر گردید.

از آن تاریخ به بعد کیفیت رابطه اعراب و اسرائیل تغییر پیدا کرد و مبارزه رفته رفته بسمت دیگری کشیده شد بطور خلاصه اهداف و مقاصد آن پیمان تنگن را میتوان در موارد زیر بیان کرد.

الف: تفرقه اندازی بین اعراب
ب: ایجاد شکاف وجدایی بین اعراب و مردم فلسطین

ج: جانداختن خط مشی دیپلماتیک بین اعراب (در رابطه با سیاستهای تجاوزکارانه اسرائیل)

بعد از پیمان کمپ دیوید خاورمیانه شکل دیگری بخود گرفت. از یکطرف طرفداران مصر همچون سوزان و مراکش و... و از طرف دیگر مخالفان مصر و پیمان کمپ دیوید که در تشکیلات جبهه بانداری شامل کشورهای لیبی، سوریه، الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین مجتمع گردیده بودند به بحث و جدل حول رابطه اسرائیل و اعراب می پرداختند.

در همین ایام واقعه بسیار مهم در جهان و خاورمیانه رخ داد شاه، بزرگترین حامی صهیونیسم در کشور ایران سقوط کرد و انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی در ایران به پیروزی رسید این پیروزی تأثیرات مهمی در منطقه بالاخص در روابط اعراب و اسرائیل بجا گذاشت بدین نحو که سبب هرچه بیشتر رادیکالیزه شدن خطوط انقلابی موجود در منطقه و افشا، ماهیت خطوط سازش در خاورمیانه گردید.

جریانات ادامه داشت تا اینکه پس از جنگ ایران و عراق سازمان آزادیبخش فلسطین با نداشتن جمع بندی صحیح مکنی از پیمان کمپ دیوید در جنگ انقلاب اسلامی و رژیم عراق خواستار صلح بین اسلام و کفر گردید و رفته رفته به سمت حمایت از رژیم بعث عراق - خائن به آرمان فلسطین - در غلبنید. بعد از رشد و تکامل انقلاب اسلامی، صهیونیسم جهانی در جهت نابودی انقلاب اسلامی در منطقه و سرکوبی جنبش مقاومت فلسطین و به انحراف کشاندن رزمندگان اسلام تهاجم گسترده و وحشیانه ای را به لبنان آغاز کرد، دستاوردهای صهیونیسم از این عملیات را میتوان بصورت زیر خلاصه نمود:

مقدمه:

مقاله ای تحت عنوان «نگاهی گذرابه به مجمع عمومی شورای ملی فلسطین در الجزایر» به قلم یکی از خوانندگان مجله بدستمان رسید که به دلیل همزمانی آن با مسئله مجمع عمومی شورای ملی فلسطین مبارکت به چاپ آن می نمایم.

✱ قبل از تشکیل کنفرانس فاس ریگان طرح صلح!! خود را اعلام کرد که اشتراک بسیار زیادی با طرح فهد داشت لکن در طرح ریگان فلسطین بعنوان یک کشور مستقل مطرح نشده است.

✱ در مجمع عمومی شورای ملی فلسطین طرح ریگان و کنفدراسیون اردن - فلسطین بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

✱ در داووسترین مسئله در مجمع این بود که ملاک انقلابی و سازشکار در قبول یا عدم قبول طرح ریگان خلاصه میشد.

از مهمترین اخبار دو هفته اخیر در رابطه با مسائل خاورمیانه و انقلاب اسلامی و نهضت فلسطین نشست عمومی بیش از ۳۶۰ نفری شورای ملی فلسطین در الجزایر بود همانطور که میدانیم این مجمع حول اتخاذ خط مشی برای سازمان آزادیبخش فلسطین و بحث و مذاکره روی طرحهای پیشنهادی برای سازمان آزادیبخش و چگونگی برخورد با صهیونیسم جهانی تشکیل گردید از اینرو ضرورت دارد نگاهی به سازمان آزادیبخش و اوضاع فعلی منطقه، آینده فلسطین و چگونگی ارتباط با صهیونیسم داشته باشیم. چرا که اینک انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی در راستای شعار هراه قنس از کربلا می گذرد و همسو و همجهت آزادی کربلا - که اینک در عملیات و الفجر خلاصه می شود... فعالانه در کم و کیف قضایای مربوط به آزادی قنس و موجودیت صهیونیسم و فعل و افعالات مهم منطقه و آینده فلسطین حضور دارد.

سیری در رابطه اعراب و اسرائیل:

بعد از تکوین و تشکیل ایندوئوزی صهیونیسم و تولد نفثروغ دولت غاصب اسرائیل تحت سیاستهای استعمارگرانه امپریالیسم امریکا و انگلیس و دیگر قدرتها در منطقه خاورمیانه شاهد جنگ و خونریزی، آوارگی و قتل و غارت بوده ایم. در این میان یکطرف دعوا مردم مسلمان کشورهای اسلامی و عرب منطقه و طرف دیگر صهیونیسم جهانی و ابادی مزبور امپریالیسم بوده و هم اینک نیز ماجرا به همین نحو ادامه دارد. تنها راهی که مردم مستضعف و مسلمان منطقه برای احقاق حقوق خود به آن اعتقاد داشتند و دارند نبرد و جنگ با صهیونیسم و عمال جناحشکار مستکبرین بود و مادر سالهای متممادی (۲۵۳۶)، (۲۷-۲۸)، (۵۵-۵۶)، (۶۷-۶۸)، ۷۳ (م) این اعتقاد را در اعمال و رفتار مسلمانان منطقه بالاخص فلسطینیان دیده ایم از آنجا که ادامه این وضعیت و مقاومت مردم منطقه بخصوص مردم آواره فلسطین جهت نابودی صهیونیسم برای امپریالیسم قابل تحمل نبود. در اواخر دهه ۷۰ تغییرات محسوس در استراتژی و سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم - صهیونیسم درباره مسائل منطقه و اتخاذ خط مشی جدید در مورد چگونگی رابطه اعراب و اسرائیل از سوی مستکبرین



حسن مراکسی از طرف سران ممالک اسلامی شرکت کننده در فاس مأموریت یافت که به کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه ... سفر کند و طرح فهد را به آگاهی کشورها برساند از آنجا که شاه حسین ارتباط نزدیکی با امپریالیسم آمریکا داشت و عضو فعال کنفرانس فاس بود میتوانست نقش بسیار حساسی در تلفیق بین طرح فهد و طرح ریگان بازی کند و به نحوی در این مسائل موفق شد (سفرهای بیاسی عرفات به اردن در این کادر قابل بحث است). بدینگونه تفسیر و تحولات اساسی در منطقه شکل می گرفت و طرحها و نقطه نظرات متفاوت درباره سرنوشت منطقه و آینده فلسطین اعلام می شد و در این میان سازمان آزادیبخش با اعلام نقطه نظرات متفاوت و گوناگون با جریانات موجود در منطقه برخورد می کرد تا بالاخره بعد از این مسائل مجمع عمومی شورای ملی فلسطین در الجزایر تشکیل یافت.

لازم بتذکر است که خطوط موجود در جهان درباره مسئله قدس و موجودیت صهیونیسم شرح زیر تقسیم می گردد:

الف: نقطه نظر صهیونیستها: منطقه از نیل تا فرات به صهیونیسم اختصاص دارد و هیچ حقی برای فلسطینیان متصور نیست. اینها باید از بین بروند یا به قیومیت صهیونیسم در آیند.

ب: طرح شوروی: اسرائیل به زمینهای قبل از ۶۷ برگردد و موجودیت مستقل برای هر دو کشور اسرائیل و فلسطین در نظر گرفته شود.

ج: طرح فهد: در کرانه باختری رود اردن کشور خودمختار و مستقل تشکیل شود و امنیت طرفین درگیر تقسیم گردد و قدس شرقی پایتخت فلسطین بحساب آید و موجودیت اسرائیل در منطقه تثبیت شده بماند.

د: طرح ریگان: اسرائیل در منطقه بماند و فلسطینیان یا کشور اردن یک اتحادیه تشکیل دهند و امنیت منطقه تامین گردد.

ه: طرح انقلاب اسلامی منطقه از زبان امام خمینی: اسرائیل باید از بین برود. حقوق از دست رفته فلسطینیان بانها بازگردانده شود و حکومت اسلامی در منطقه و فلسطین بوجود آید.

همانطور که گفتیم یکی از اهداف پیمان کمپ

دیوید اراته خط مشی دیپلماتیک به سازمان آزادیبخش بود و متأسفانه این خواسته امپریالیسم بتدریج در سازمان جا افتاد بطوری که در چند سال اخیر عرفات تمام هم خود را به شناسایی موجودیت فلسطین در نظر شوروی، سوسیال دموکراتهای اروپایی و مترجمین عرب گذاشت و از مردم محروم خود فاصله گرفت و طبعاً از مبارزه نظامی دور افتاد و نقطه سیاسی کاری در استراتژی سازمان آزادیبخش شکل گرفت تا بالاخره دردناکترین و غم انگیزترین حادثه که در خروج نیروهای رزمنده فلسطینی بعد از دهها روز مقاومت و نبرد شجاعانه

بقیه در صفحه ۲۳

ارنجاع منطقه می باشد و کمکهای زیادی به عراق از لحاظ مالی نظامی تسلیحاتی و تبلیغاتی داشته است با اراته طرح کذاتی خود مترجمین را به کنفرانس فاس حول طرح فهد دعوت می کند.

اصول مهم طرح فهد در باره رابطه فلسطین و اسرائیل شرح زیر است:

الف: موجودیت اسرائیل بطور ضمنی شناخته شود.

ب: امنیت طرفهای درگیر منطقه تامین شود (که حضرت امام خمینی در این باره فرمودند: اینها علاوه بر شناسایی کشور اسرائیل ازرا بیمه کردند).

ج: در کرانه غربی رود اردن موجودیت مستقل فلسطین تأیید شود.

قبل از تشکیل کنفرانس ریگان طرح صلح !!! خود را اعلام کرد که اشتراک بسیار زیادی با طرح فهد داشت لکن در طرح ریگان فلسطین بعنوان یک کشور مستقل مطرح شده بلکه طرح قدراسیون اردن و فلسطین پیشنهاد شده بود بعد از اتمام کنفرانس و احساس رضایت اکثر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس (که سازمان آزادیبخش از شرکت کنندگان در کنفرانس بود) هیتی بسرپرستی شاه

تثبیت حلقه امنیت در شمال اسرائیل، تثبیت مهره های وابسته در جنوب لبنان، روی کار آوردن دولت وابسته و مرکزی آل جمایل در لبنان.

تقویت ارتش لبنان بعنوان بازوی مسلح صهیونیسم.

خروج چریکهای فلسطینی از لبنان، ورود چریکهای فلسطین به کشورهای اردن - عراق - مراکش ...

کشتار وحشیانه آوارگان فلسطین در سیرا و شتلا و ایجاد جو رعب و وحشت بین سران سازمان آزادیبخش و به سازش کشاندن سازمان امل و برسمیت شناختن دولت جمایل توسط سازمان امل.

بعد از این حملات و فشارها صهیونیسم و امپریالیسم فعالانه به توطئه های ننگین خویش ادامه داد تا با توجه به وضعیت موجود بتواند در منتهی الیه امکان خود را در خاور میانه تثبیت کند و جنبش فلسطین را به مسخ بکشد.

از سوی دیگر برده دوم نمایش با استفاده از جو رعب و وحشت حاکم بین سران کشورهای باسطلاح اسلامی از جانب عربستان که از ستونهای محکم

پیغمبر صراحت دارد.

۳- لقد کان لکم فی رسول اللہ صوة حسنة
این آیه کردار و سیره پیغمبر (ص) را الگوی
عملی مسلمانان قرار داده (۴) و به تبعیت از آن توصیه
نموده است. و این یعنی حجیت سیره آنحضرت
است. بنابراین همانگونه که گفتیم درباره حجیت
سنت پیغمبر (ص) مجالی برای بحث نیست. و
مسلمانان درباره آن اختلافی ندارند.

همچنین شیعیان معتقدند که سنت الهی
معصومین (ع) مانند سنت رسول الله (ص) حجیت
است. و عمده آنهایی که بر این عقیده اقامه می کنند
عبارت از مجموعه آیات و روایاتی است که دلالت
بر عصمت ائمه دارد. و از جمله آیه تطهیر (۵)
و روایت معتبر ثقلین (۶) است.

پیرامون این دو سند معتبر در فصل پیش به
تفصیل بحث کردیم و نیازی به ذکر دوباره آن نیست
(۷). اینجا با استفاده از آن مطالب به تکمیل این بحث
می پردازیم:

بدون شک بانوجه به نفی هرگونه خطا و اشتباه
از ائمه (ع) که در اول آیه تطهیر است. و همچنین
باثبوت عدم افتراق ائمه از قرآن. و قرآن از ائمه که
در اول حدیث ثقلین است. عصمت امامان ثابت است
و باثبوت عصمت حجیت سنت آنان نیز به ثبوت می
رسد.

بنابراین بیان احکام از سوی امامان نه از نوع
اجتهاد است و نه از نوع حکایت و روایت سنت است.
بلکه خود سنت و قانون است.
توضیح آنکه:

سنت که به عنوان منبع قانونگذاری در اسلام
شمرده می شود. بدین معنی است که احکام شرع
رامی توانیم بااستناد آن به ثبوت رسانیم. دقیقاً
همانگونه که بر اساس قرآن احکام شرع را به اثبات
می رسانیم. یعنی اگر سنت حکمی در قرآن پیدا نشود
کافی است که مترک آن را در گفتار پیغمبر یا امامان
(ع) پیدا کنیم.

پس بین سنت و اجتهاد مجتهدان و هم چنین نقل
راویان احادیث، فرق اساسی وجود دارد و آن اینکه
رای مجتهد اگر متکی به قرآن و یا دلائل معتبر شرعی
نباشد، خودی نفس اعتباری ندارد. و همچنین قول
راوی حدیث اعتبارش باین است که محتوای
کلامش قول یا فعل یا امضاء معصوم است. والا
اگر نظر و تشخیص خود راوی باشد ارزش دلیلیت
ندارد. و بهیچ وجه منوک حکم شرعی قرار نمی
گیرد.

بنابراین معنی منبع بودن این است که خود مستقلاً
اثبات کننده حکم شرعی باشد.

به همین اعتبار همانگونه که دو آینه بزودی
توضیح خواهیم داد. اجماع و عقل را نباید به عنوان
دو منبع بشمار آورد. بلکه این دو اعتبارشان به
اعتبار سنت است. و مانند شهرت. و سیره مشرعه و
خیر متواتر و امثال آن جزء راههای اثبات سنت شمرده
می شوند.

بقیه در صفحه ۷۱

مجمع عمومی

تیلور می یافت سازمان آزادیبخش با سرعت بیشتری
بدام مرتجعین گرفتار آمد و با قاطعیت بیشتری دم
از پشتیبانی طرح فهد و کنفدراسیون اردن -
فلسطین می زد.

از اینرو در مجمع عمومی شورای ملی فلسطین
نقطه نظرات طرح ریگان و کنفرانس اردن - فلسطین
پیش از نقطه نظرات دیگر به بحث گذاشته شد. گرچه
باید گفت مضمون بندهای الف. ب. ج. د یکی است
(بند الف از شکل فاشیستی بیشتری برخوردار
است) و این نمایانگر تفاهم شرق و غرب و
مرتجعین عرب به جهت ناوودی ارمان فلسطین و
سستضعفین منطقه است.

و عملاً بدلالی که ذکر شد مجمع کشش و توانایی
بحث روی قسمت «د» را نداشت چرا که شیوه سیاسی
کاری را خط مشی خود ساخته بوده اند و از مردم خود
دور بوده و متمسک به اسلام بزرگ نبودند.

درد آورتر اینکه ملاک انقلابی و سازشکار در
قبول یا عدم قبول طرح ریگان خلاصه می شد و
اساساً اگر بدانیم که از دلائل دادن طرح ریگان
ایجاد همین مرزبندی کاذب بین خط انقلاب و
سازش بوده است متوجه می شویم که چگونه سران
سازمان آزادیبخش فلسطین بازیچه امپریالیسم
شده اند.

سران سازمان معتقدند چون در طرح ریگان
موجودیت مستقل برای فلسطین در نظر گرفته شده
گرچه نکات مثبتی دارد قابل رد می باشد و این همان
فاجعه است که در بالا مطرح کردیم. سازمان
آزادیبخش بعد از آن جنگ و گریزهای انقلابی در
منطقه همچون نبرد کرامه و... بجایی رسیده است
که استقلال خود را در کنار موجودیت تثبیت شده

رژیم اشغالگر قدس و از زبان امپریالیسم جنایتکار
می طلبد اینان بالاخره بعد از چندین روز بحث و
بررسی حول طرحهای ارائه شده بدون اینکه به
مقصود این طرحها که در شناسایی رژیم اشغالگر
قدس خلاصه میشد آنها کسیکه در مجمع عمومی
سخن از این موضوع راند برادر زنگنه نماینده
مجلس شورای اسلامی بود) به طرح فهد رأی اعتماد
دادند و با اشتیاق از اینکه در طرح فهد موجودیت
مستقل برای فلسطین در نظر گرفته شده طرح فهد را
قبول کردند.

از طرف دیگر سران سازمان به طرح
کنفدراسیون اردن و فلسطین اعتقاد دارند و
گفته اند:

«می توان یک کنفدراسیون بوجود آورد بشرط
آنکه یک کشور مستقل فلسطینی در درجه نخست
بوجود آید!»

یا ابویاد و حواتمه می گویند: «طرفدار
پیوندهای ویژه بین اردن و فلسطین هستند»

آری اتحاد با کشوریکه در سال ۱۹۷۰ هزاران
فلسطینی را قتل عام کرد و مرزهای کشور خود را بر
روی رزمندگان فلسطینی بست و اجازه عملیات
نظامی را از مرزهای خود بر علیه صهیونیسم به
چریکهای فلسطینی نداد و در ده ساله اخیر خیانتهای
اشکار و نهان نسبت به ارمان فلسطین نموده است
اینکه ایده آل سازمان گزیده و محور صلح قرار
گرفته است آری اگر در کنار این موضوع دلایل
تائید طرح فهد را از زبان عرفات بیاد آوریم که در
مجمع بقل از خبرگزاری ها گفته است:

«ما بهای شکست اولین کنفرانس فاس را
پرداختیم و ۷۰ هزار فلسطینی در حمله لبنان دادیم
اگر بار دیگر طرح فاس را رد کنیم چه قیمتی باید
بپردازیم» و همینطور در جای دیگر می گوید:

«طرح ریگان کافی نیست لیکن رد آشکار آن
سازمان را از ارتباطش با آمریکا و منابع عرب از
دریافت کمک مالی که سخت به آن نیازمندیم
محروم می سازد».

براسی که باید گفت این سوتها و ریشه های
ایدئولوژیک استراتژیک موجود در سازمان دال بر
استحاله تاریخی در ماهیت سازمان آزادیبخش
فلسطین از راه نظامی و چهار چوب مکی عقیدتی
بست راه دیپلماتیک و سیاسی کاری و چهار چوب
ناسیونالیسم و ملیت می باشد که عرفات گفته است
«ما اینک بعد از نبرد نظامی به نبرد سیاسی احتیاج
داریم و ادامه این وضعیت بسیار نگران کننده و
خطرناک می باشد بعضی که باید پیش بینی
کرد در صورت ادامه این خط سازمان آزادیبخش
بزرگترین مانع رشد و تکامل ارمان فلسطین خواهد
گردید».

با این مصوبات مجمع عمومی سازمان
آزادیبخش فلسطین چراغ خطری برای آینده فلسطین
در میان گردابهای فوئناک امپریالیسم صهیونیسم و
کشورهای همچون اردن مصر عربستان و...
می باشد.

و باید برای جامعه که پیش از آنکه به
موجودیت و مشروعیت خود در میان نودم های
مسلمان و عرب فلسطینی و اعراب توجه داشته باشد
به حضور خود در مجامع بین المللی و سوسیالیستها
و جناهای مترقی صهیونیسم و مرتجعین منطقه
دلخوش گردد است فکری اساسی کرد.

راهی که مجمع طی نمود حرکت به سمت سازش
و سقوط در متلاطم ذلت بود و حرکت مجمع پشت
نمودن به اهداف شهدای حماسه های خوتین
رزمندگان فلسطینی از واقعه کرامه تا اوارگان تل
عزتر و حشرا و شتیلا بود.

والسلام